

### رویکرد تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز

حسن محمود زاده، (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز)  
معصومه علی‌رضایی\* (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تبریز)  
علی زارعی، (دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری)

#### چکیده

هدف این تحقیق رویکرد تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی، جامعه آماری تحقیق را ۳۸۴ نفر از حاشیه‌نشینان شهر تبریز که بر اساس فرمول کوکران تعیین شده‌اند، تشکیل داده‌اند و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی بررسی شده‌اند. داده‌ها با استفاده از نرم‌فزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته که در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد و میانگین به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در سطح آمار استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها از آزمون آماری کای اسکور ( $X^2$ ) تک متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین جاذبه اقتصادی شهر و دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی و دافعه‌های اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد. **واژه‌های کلیدی:** حاشیه‌نشینی، علل و پیامدهای شکل‌گیری، جاذبه و دافعه‌های اقتصادی، کلانشهر تبریز

## مقدمه

پدیده حاشیه نشینی ریشه در تاریخ اجتماعی انسان ها دارد و تبلور آن در قالب گتوهای<sup>۱</sup> نژادی، مذهبی بوده است ، و در جوامع کهن سال از آن تحت عنوان سکونتگاه های فقیر نام برده اند. این پدیده به مفهوم امروزی، نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها به وجود آمده است. در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه های استعماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است (ربانی و دیگران ؛ ۱۳۸۱، ۷۶).

پدیده حاشیه نشینی را برای اولین بار در جهان غرب روبروت ا.سی. پارک<sup>۲</sup> آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل<sup>۳</sup> و نیز ایورت استونگوییست<sup>۴</sup>، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آنها، انسان حاشیه نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احياناً متخاصم ظهور می یابد. به نظر آنها حاشیه نشین ، آشنای بیگانه ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچ کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی داند (بیات؛ ۱۳۸۴ ، ۸) .

چارلز آبرامز<sup>۵</sup> حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی، راهی شهرها می شوند (پیران؛ ۱۳۶۶ ، ۹).

از سال ۱۹۵۰ بحث های مرتبط با حاشیه نشینی در جهان و به خصوص جهان سوم به صورتی گسترده مطرح شد. تاریخچه مطالعات مربوط به حاشیه نشینی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی برمی گردد (پیران؛ ۱۳۶۶ ، ۳۵). طی پنجاه سال گذشته اغلب کلان شهرها و حتی شهرهای میانی از نظر سطح جمعیتی ایران از جمله تهران، اصفهان، تبریز، کرج و همچنین شهرهای میانی مانند سنندج، زاهدان، بندرعباس با پدیده حاشیه نشینی مواجه بوده اند (پارسا؛ ۱۳۸۳، ۴۵).

هم اکنون ۳۴ درصد از جمعیت حاشیه نشین کل کشور در حاشیه کلان شهرها استقرار یافته اند، که روز به روز بر تعداد آنها اضافه می شود، عدم پویایی مدیریت شهری در کلانشهرهای ایران نیز مزید بر علت شده تا حاشیه شهرها

1. Ghetto  
2. park  
3. Georg simmel  
4. Astvngvyst  
6. Charles Abrams

همانند متن شهر ارتقای عمرانی پیدا نکند (درستی، ۱۳۸۵، ۵)، به همین دلیل هم اکنون از لحاظ عمرانی بعضی از نقاط کلانشهرها هیچ فرقی با حاشیه خود ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز، افزایش روز افزون جمعیت حاشیه نشین باعث می شود که در آینده ای نه چندان دور حاشیه و متن از هر لحاظ برابر شوند. تبعات حاشیه نشینی و معضلات ملی حاشیه نشینی در ایران بر اساس دلایل بی شماری اکنون یک معضل ملی محسوب می شود که با ادامه روند فعلی بی شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد ابعاد معضلاتی که حاشیه نشینی باعث نشو و نمای آنها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است. حاشیه نشینان متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده اند و حامل خصلت های اجتماعی هستند که با خصایص اجتماعی شهر هیچ سنخیتی ندارد. اصولاً مهاجرت های روستایی در مناطق کمتر توسعه یافته، از یک روند نسبتاً شدید برخوردار است. این پژوهش نیز به بررسی علل و پیامدهای شکل گیری مناطق حاشیه نشین کلانشهر تبریز می پردازد. حاشیه نشینی در کلانشهر تبریز در هر چهار طرف شهر گسترش نیافته است، بلکه بیشتر حاشیه نشینان در شمال شهر و با تراکم کمتر در جنوب و غرب شهر ساکن هستند، در این پژوهش سعی شده، ضمن پرداختن به ریشه ها و علل این پدیده، با ارائه راهکارهای مناسب تا حدودی به حل این معضل کمک کند.

تاریخچه حاشیه نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه نشینی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است. در کشورهای توسعه یافته کنونی، ابتدا کارخانه ها به علت نیازشان به منابع آبی و امکانات حمل و نقل در درون شهرها ایجاد شدند و به همین سبب مهاجرین روستایی و طبقات فقیر شهری را به مرکز شهرها کشاندند. با انتقال کارخانه ها به بیرون شهرها و توسعه حومه نشینی برای طبقات متوسط و بالای جامعه، فقرا در مراکز شلوغ و کثیف شهری باقی ماندند تا آنچه ما امروزه از آن، به عنوان «حاشیه نشینی» یاد می کنیم، نه در اطراف شهر، بلکه در مراکز شهرهای بزرگ پدید آمد (ممتاز؛ ۱۳۷۹، ۴۸-۴۶)، ولی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، که صنعت نه محصول توسعه درونزا، بلکه وارداتی بوده است، حاشیه نشینی از همان آغاز به اطراف شهرها هدایت شد (پیران، ۱۳۸۰، ۳۱) و مهاجران وارد شده از روستاها و شهرهای کوچک به خاطرگران بودن زمین شهری در اطراف شهرها ساکن شدند. شروع این پدیده در ایران تقریباً به دهه ۴۹ و خصوصاً پس از اصلاحات ارضی باز می گردد، که سبب شد مهاجرت های روستا - شهری افزایش یابد، این در حالی است که پس از وقوع انقلاب نیز بر اثر تحولات صورت گرفته در این مقطع، شروع جنگ عراق علیه ایران و تداوم سیاست تمرکزگرایی به تداوم شهرنشینی بی رویه و به تبع آن افزایش حاشیه نشینی در شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ منجر شد.

تبریز به عنوان یکی از کلانشهرهایی است که درگیر با مسأله حاشیه نشینی است، و این فقط محدود به مناطق حاشیه نشین نمی شود بلکه کل شهر را متأثر ساخته است، به طوری که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری ها در زمینه شهرنشینی مانند: اشتغال افراد حاشیه نشین در مشاغل غیر رسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیر

مجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهر، افزایش جرم و انحرافات در این مناطق، که همه از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه بر روی ساکنان آن مناطق و چه بر روی دیگر افراد ساکن در این مناطق هستند و وجود معضلات شهری نه تنها چشم انداز شهر را ناموزون ساخته، بلکه به عنوان مانعی در راه اجرای طرح‌های تفصیلی و جامع شهری به حساب می‌آیند. از این رو به نظر می‌رسد پرداختن به مسأله حاشیه‌نشینی در این شهر و توجه به علل شکل‌گیری آن و آثار نامطلوبش، ضرورت می‌یابد. زیرا شناسایی علل این پدیده و ارائه راهکار در جهت بهبود آن، موجبات برابری در بافت شهری را که از شاخصه‌های توسعه پایدار است، فراهم می‌کند.

حاشیه‌نشینی و مشکلات آن، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یک معضل بزرگ شهری محسوب می‌شود. ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجاست که این پدیده در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، موجب بروز مشکلات دیگری همچون بزهکاری می‌گردد. با گسترش شهرها و تبدیل آن‌ها به کلانشهر، لزوم کنترل وضعیت حاشیه‌نشینی و جلوگیری از گسترش آن، بیش از پیش احساس می‌شود.

#### پیشینه تحقیق

صنعتی شدن، وقوع تحولات شهری توسعه سریع و ناموزون شهرنشینی مهاجرت‌های فزاینده روستاییان به شهرها عوارضی از جمله، فاصله طبقاتی، تجمع ثروت در دست عده‌ای و فقر عده‌ای کثیر، حاشیه‌نشینی و سکونت در شهرها را در پی داشته است. در ایران روند این پدیده (حاشیه‌نشینی) بعد از وقوع اصلاحات ارضی و ناکارآمدی اقتصاد کشاورزی روستاها به وقوع پیوست؛ چنان که در یک بررسی گسترده، که در سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد، مشخص گردید که ۹۱ درصد از سرپرست‌های خانواده‌های حاشیه‌نشین در تهران، روستایی بوده‌اند. در بین مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه حاشیه‌نشینی می‌توان به برخی از پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

لانا و هیراسلس<sup>۱</sup> در مطالعه‌ای تحت عنوان وضعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی که با استفاده از روش پیمایشی در سال ۲۰۰۰ در جا کارتا انجام داده بودند به این نتیجه دست یافتند که ساکنان این سکونتگاه‌ها در ابتدای تشکیل خود از یک انسجام فرهنگی محکمی برخوردار بودند ولی به مرور زمان و در اثر تبادلات شدید فرهنگی با مادر شهر خود به یک تمایز فرهنگی و اجتماعی در درون خود دست یافته‌اند. به باور آنها این تمایزات را باید در چارچوب اشاعه و گسترش فرهنگ ثروت و خدمات از مادر شهر به پیرامون بررسی کرد

الدینگ و نورث<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه‌نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آنها در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجر حاشیه‌نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در معرض

۱. Lana and Hyrasls  
۲. Aldryng and North

خطر هستند. مشکلات و مسائل خانواده های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می دهد. یافته های این پژوهش بیان می کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهماهنگی فرهنگی می شوند.

مطالعه دیگری که توسط ویکسیسا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱ در کشور آفریقای جنوبی تحت عنوان ارتقای کیفیت زندگی حاشیه نشینان با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفت. این تحقیق با دنبال یافتن روش هایی در خصوص توانمند سازی افراد در ارتباط با شاخص هایی در رابطه با کیفیت زندگی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که ساکنین محلات ظرفیات و دارایی های اجتماعی بالایی دارند که در صورت توجه به آنها و ارائه آموزش های لازم می توان در توانمند سازی ساکنین مناطق حاشیه نشین گام برداشت

پیران در پژوهش هایی با عنوان: آلونک نشینی در ایران (۱۳۷۴)، تقدم و تسلط شهری در جهان سوم (۱۳۶۸) شهر و شهروندمداری (۱۳۷۶) اسکان غیر رسمی در شیرآباد زاهدان (۱۳۸۱) معتقد است فقرا از نظر اقتصادی حاشیه ای نیستند بلکه مورد بهره کشی واقع شده اند، از نظر اجتماعی حاشیه ای نیستند بلکه طرد شده اند، از نظر فرهنگی حاشیه ای نیستند بلکه لکه دار شده اند و بالاخره از نظر سیاسی هم حاشیه ای نیستند بلکه به زیر نفوذ کشیده شده و خفه گردیده اند. در نهایت پیران حاشیه نشینی را یکی از مهمترین مسائل برنامه ریزی شهری کشورهای جهان سوم می داند که ناشی از وابستگی دیرپای این کشورها به سرمایه داری جهانی، مهاجرت بی رویه و رشد غیر منطقی مناطق شهری است.

خوب آیند و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان، تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه نشینی در شهر اصفهان در فرآیند تاریخی شکل گیری پدیده حاشیه نشینی، دو عنصر مکان و زمان به عنوان شرایط عام (لازم) برای تکوین این پدیده و دو عنصر اقتصادی و اجتماعی به عنوان شرایط خاص (شرایط کافی) برای شناخت و درک آن جلوه می کنند. وی نتیجه می گیرد که درصد بیکاری در مناطق حاشیه نشین بسیار بالاتر از سایر مناطق شهری بوده و یکی از دلایل حاشیه نشینی در اصفهان است، میانگین درآمد حاشیه نشینان در مقایسه با سایر گروههای شهری بسیار پایین است و بعنوان یکی از دلایل اصلی حاشیه نشینی مطرح است و در نهایت میانگین اجاره بهای مسکن در مناطق حاشیه نشین پایین تر از سایر مناطق بوده و در تصمیم گیری افراد برای ساکن شدن در حاشیه شهر مؤثر بوده است. شریفی نیا (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها مطالعه موردی (محلۀ غلام تپه شهرستان آزاد) به منظور بررسی پدیده حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها، از شاخص های مربوط به مسائل اجتماعی و فرهنگی که شامل فقر، مشارکت اجتماعی، تنوع فرهنگی استفاده کرده

1. Vykysa

است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که همه شاخص‌های مربوط به مسائل اجتماعی و فرهنگی معنادار است و بر متغیر حاشیه نشینی تأثیرگذار می‌باشد.

خاکپور و هادی‌زاده بزاز، (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان، «تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیررسمی در ایران با نگرش ویژه بر کلانشهر مشهد، نشان دادند که با برنامه ریزی منسجم و توزیع عادلانه سرمایه، جمعیت و فرصت‌های اقتصادی می‌توان موجبات تعادل فضایی و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و به تبع آن اسکان غیررسمی را کاهش داد.

نقدی و زارع (۱۳۹۱) در یک پژوهش میدانی به بررسی حاشیه نشینی به مثابه آپاندیست شهری در جعفرآباد کرمانشاه پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که بیش از ۷۰ درصد سکنه در خانه‌های با بیش از پنج نفر زندگی می‌کنند. نزدیک به تمامی خانه‌ها (۹۷ درصد) به صورت قولنامه‌ای تملک شده و برخوردار از آب، گاز و برق با لاست. نرخ بیکاری بالا و ناپایداری شغلی به همراه تنوع مشاغل کارگری ویژگی بارز ساکنان این مناطق می‌باشد.

شاطریان و اشنویی (۱۳۹۲) نیز در یک مطالعه میدانی به بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان پرداختند. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد میان عوامل جاذبه شهر کاشان و عوامل دافعه محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه وجود دارد.

با توجه به مطالعات انجام شده در این تحقیق سعی شده ضمن استفاده از نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه با رویکردی سیستماتیک و جغرافیایی به تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن پرداخته شود و در پایان راهکارهایی برای ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های ناهنجار حاشیه نشین شهر تبریز ارائه گردد.

### مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

اولین کسی که اصطلاح حاشیه نشینی را به کاربرد، رابرت ای پارک بود. پارک در مقاله مهاجرت بشر و انسان حاشیه نشین، حاشیه نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی-سیاسی می‌داند (انصاری، ۱۳۶۹، ۳۹).

ویلیام فوت وایت<sup>۱</sup> (۱۹۴۷) در کتاب خود به نام جامعه کنارخیابان، تمایزات میان محلات را روشن می‌سازد. پیتروید از دیدگاه پدیدارشناسی به بررسی زاغه‌های حاشیه شهر پرداخته و این نوع مسکن را زاغه‌های امید خوانده است. نظام اجتماعی زاغه عنوان اثری است که ساتلز<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) در آن فضای فیزیکی را عنصر اساسی در فرآیندهای اجتماعی می‌داند.

دیدگاه بوم‌شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کند (پیران، ۱۳۸۰: ۳۳). در این زمینه ارنست برگس ولویس ورث معتقدند علت شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین

۱. William Foote Whyte

۲. Satlz

تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است. در نظریه کاربری اراضی شهری، شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت بازندگان این رقابت به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و غیره دامن می‌زند (قرخلو، ۱۳۸۳، ۱۸۸).

مارشال کلینارد و ارنست برگس<sup>۱</sup> از طرفداران این نظریه معتقدند که حاشیه‌نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری حاصل می‌آید (کلینارد، ۱۹۶۶، ۱۸).

در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راهکارهای بهینه‌سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می‌نمایند (باوی، ۱۳۸۴، ۲۲-۲۰).

بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، در فرایند شهرنشینی شتابان و ناهمگون به موازات رشد نامتعادل اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری در جامعه شتاب می‌گیرد. در این دیدگاه به علل پیدایش مناطق حاشیه‌نشین توجه شده و کوشش می‌گردد تا ریشه مسئله شناسایی شود (حاج یوسفی، ۱۳۸۱، ۱۶-۱۴).

جامعه‌گرایان جدید نیز پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی می‌دانند. اینان معتقدند که به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیر بنایی، اجتماعی - اقتصادی و کالبدی، محله‌های حاشیه‌نشین شکل می‌گیرند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱، ۱۸-۱۷).

از نظر جامعه‌شناسان گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری اند به موقعیت زیست در متن دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه‌رانده شدگی طبقاتی است که در وضعیت حاشیه‌بسر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸، ۸۳).

مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> حاشیه‌نشینی شهری را مولود نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون می‌داند (آقابخشی و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۸۹)، بخشی از دیدگاه قشربندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می‌شود که بیشتر بر ابعاد جرم‌شناختی این احساس نابرابری اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد، تا بر فقر مطلق (مسنر، ۱۹۸۲) و (ویلیامز، ۱۹۸۴). محرومیت، زمانی تشدید می‌شود که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش احساس نمایند، نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت

1. Klynard Marshall and Ernest Burgess

2. Manuel Castells

نسبی و جرم را تأیید کرده اند (فول و مروا، ۱۹۶۹). از نظر رابرت اگنیو<sup>۱</sup> عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت است که باعث هدایت افراد به سمت کانال‌های نامشروع می‌شود. حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت نیز می‌تواند عامل فشار باشد. چون فرد سعی می‌کند تا بخاطر آن چه که از دست رفته انتقام بگیرد، که منجر به بزهکاری می‌شود (Agne, ۱۹۹۲: ۱۲۷; Agnew: ۱۹۹۹, ۵۷-۵۹).

و مورد آخر، ایجاد فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی با حضور محرک‌های منفی یا مضر مانند تنبیه بدنی و زد و خورد خانوادگی می‌باشد (Seigel & Senna: ۱۹۹۷, ۱۸۰).

علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان در قالب مکاتب و نظریات، مورد بحث قرارداد، نظریاتی که به دلایل شکل‌گیری و گسترش این سکونتگاه‌ها پرداخته‌اند، می‌توان به سه دسته لیبرال، بنیادگرا و جامعه‌گرا تقسیم کرد. در دیدگاه لیبرال، مهمترین دلیل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها عامل جمعیتی و مهاجرت است. از نظر این مکتب، در مرحله‌ای از توسعه جوامع، مازاد نیروی کار و تولید به وجود می‌آید، از اینرو موجی از مهاجرت که طبیعی به نظر می‌رسد، از روستاها به شهرها آغاز می‌شود. این جمعیت وقتی به شهر می‌رسد به دلیل عدم توان پاسخ‌گویی شهر در زمینه اشغال و مسکن، به ناچار در سکونتگاه‌های غیررسمی سکنی می‌گزینند. در کل این مکتب دلیل اصلی شکل‌گیری و گسترش این سکونتگاه‌ها را عامل رشد جمعیت می‌داند و راه حل این مسئله را نیز کنترل جمعیت می‌بیند (نیک نام و موسوی، ۱۳۸۹، ۲۱).

بنیادگراها، برخلاف لیبرال‌ها دلیل گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی را در عوامل خارجی جستجو می‌کنند. از نظر آنان وابستگی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته در نظام جهانی باعث می‌شود این کشورها نقش امین‌کننده مواد غذایی را از دست بدهند و تبدیل به واردکننده شوند در مقابل، در شهرهای بزرگ اینگونه کشورها، صنعتی شدن اتفاق می‌افتد، این وابستگی و این تحولات باعث شکاف بین شهر و روستا و آغاز مهاجرت‌های سنگین روستا - شهری می‌شوند، این در حالی است که به دلیل سرمایه‌بر بودن صنعت ایجاد شده، فرصت اشتغال برای تعداد معدودی از افراد فراهم می‌شود و بقیه وارد مشاغل غیررسمی و حاشیه‌نشینی می‌شوند (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۶۳).

از نظر اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید، حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌ای و فقیر در جامعه‌های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادها (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و غیره) است. بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی امری اجتناب‌ناپذیر است (حسین آبادی، ۱۳۸۸، ۱۹).

1. Robert Agnew



با مروری بر تمامی نظریاتی که به مسئله حاشیه نشینی پرداخته است می توان گفت مهمترین عامل موثر بر وقوع و گسترش این پدیده مشکلات اقتصادی است، چه در نظریه های مبتنی بر مهاجرت ، به دنبال کسب درآمد بالاتر به حاشیه شهرها پناه می برند و چه در نظریه های مبتنی بر بوم شناسی که جدایی گزینی اجتماعات شهری را به توان اقتصادی هر یک از گروهها درتأمین مسکن و زمین نسبت می دهد، عوامل اقتصادی نقش کلیدی را در ظهور و گسترش حاشیه نشینی بازی می کنند، لذا به منظور کنترل و در صورت امکان حذف این پدیده باید به ایجاد تعادل فضایی (اقتصادی ، اجتماعی، کالبدی ) در سطح مناطق دست یازید و ارائه برنامه های توسعه را متناسب باتوان ها و امکانات موجود آنها تدوین نمود. در صورت تهیه چنین برنامه هایی تعادل فضایی در بین تمامی مناطق برقرار خواهد شد و جمعیت برای بدست آوردن منابع اقتصادی و اجتماعی برتر ناچار به انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر نخواهد بود .تجربه جهانی نشان داده است اساسی ترین و مهمترین گام داشتن طرح و برنامه ریزی های راهبردی و جامع برای توسعه کشور است.

پرویز پیران در تحقیقی تحت عنوان ( آلونک نشینی در تهران ) پس از بحث طولانی در مورد شهرنشینی ناهمگون در ایران و تفاوت فرایند شهرنشینی در ایران با غرب، به مسئله مسکن نا بهنجار و حاشیه نشینی پرداخته و آن را یکی از مهمترین مسایل برنامه ریزی شهری کشورهای جهانی، مهاجرت بی رویه و رشد غیرطبیعی شهری تشخیص می دهند.وی اشاره می کندکه با نفوذ سرمایه داری جهانی در ایران رابطه ارگانیک میان سه نوع زندگی شهری، روستایی و ایلی در ایران از بین رفت و اشاعه الگوی مصرفی مدرن درکشور به دلیل ناتوانی زیرساخت های موجود، منجر به تمرکز فوق العاده شهری در پایتخت و چند شهر کشور شد،اصلاحات ارضی نیز فرایند مهاجرت را تشدید کرد و قشرهای پائین جامعه برای حل مشکلات مسکن که ناشی از تمرکز شدید جمعیت و امکانات شغلی بود به مسکن نا بهنجار و آلونک نشینی روی آوردند.به طور کلی در خصوص ایجاد پدیده حاشیه نشینی علل مختلفی می تواند موثر باشد از جمله علل زیر:

- ۱- سطح پایین درآمد خانوار، بالا بودن بهای زمین ، هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها
- ۲- دافعه مبدا، (مثل درآمد کم ، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنان از زادگاه خویش و سرازیر شدن آنها به سوی شهرها شده و سپس هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانون های حاشیه نشینی می گردد.
- ۳- عامل دیگر قطعه بندی زمین ها است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم درآمد و کم بضاعت گرفته می شود و ناچار به مناطق حاشیه نشین پناه می برند.
- ۴- فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین .اگر شهرها به صورت مناسب، منطقه بندی و توسعه نیابند، زمینه برای ساخت و ساز غیرمجاز فراهم شده و محلات زاغه نشین پدید خواهد آمد.
- ۵ - مهاجرت، از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است. مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهر های بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می باشد.

۶- در شکل گیری مناطق حاشیه نشینی، حداقل در گسترش آن نقش و تاثیر خط مشی ها و عملکرد دستگاه های مسئول دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.

#### پیامد های حاشیه نشینی

به دنبال پدیدار شدن اجتماعات حاشیه نشین، مسائل و مشکلاتی دامنگیر شهرها شد که شاید بطور مستقیم زاده مسأله حاشیه نشینی بود، ولی در واقع تأثیر غیر مستقیمی است که عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده حاشیه نشینی مسبب آنند. تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی حاشیه نشینی بر سیستم اقتصادی حاکم بر کل جامعه، بر روابط اجتماعی و محیط زندگی شهری و همچنین بر فرهنگی که با آن در تماس هستند و محیط زیستی که به آلودگی و خطرات موجود در آن دامن می زند، بسیار خطرناک و مخرب است (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸، ۱۴۱).

حاشیه نشینی موجب پیدایش محیط هایی می شود که فرهنگ معینی ندارند و انسان در آن هویت مشخصی پیدا نمی کند. بنابراین بریده از فرهنگ معینی است که در حقیقت مبین دینامیسم نابرابری در مقیاس ملی و جهانی است که امکان شناخت صحیح این امر واقع اجتماعی را برای اتخاذ تدابیر و سیاستهای مناسب برای حل این مشکل مهم اجتماعی فراهم می آورد (انتظاری، ۱۳۶۸، ۹۱).

سازمان های شهری همواره با تقاضاهایی از حاشیه نشینان برای تأمین خدمات و تسهیلات مورد نیاز آنان روبرو هستند. وضع نامطلوب اسکان آنان، ساختمان هایی بی قواره و کوچه های درهم و نامناسب بودن زمین اشغالی آنان، فراهم نمودن این خدمات را سخت و دشوار می سازد. اغلب از حاشیه نشینی به عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می شود. در حقیقت نتیجه ای است از تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور (به ویژه کشاورزی) طی دوران تکیه بر درآمد نفت و رواج الگوی مصرف گرایی و گسترش واردات (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸، ۱۴۲).

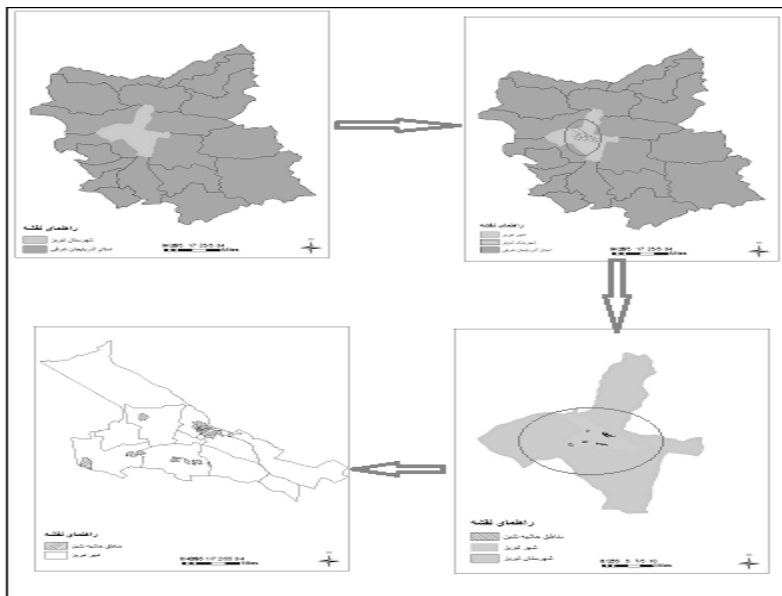
بورس بازان و رشوه خوران حداکثر استفاده و بهره برداری را از مردم و محل این اجتماعات کرده و می کنند. آسیب های اجتماعی مانند رواج بزهکاری و آدم کشی، اعتیاد به مواد مخدر یا پخش و فروش آن به سرعت در بین آنان گسترش می یابد. در جامعه شهری از آنان به عنوان افرادی بی فرهنگ نام برده می شود. مردم شهری تمایلی به ایجاد ارتباط و تماس با آنان نشان نمی دهند. مساکن و محل های تجمع حاشیه نشینان صحنه رفت و آمد نامناسب و بافت زشتی را به جامعه شهری تحمیل کرده و موجب آشفتگی و ناهمگونی سیمای شهرها شده است. وجود آنان در جوامع شهری به یک دوگانگی عمیق زیستی منجر می شود. فضایی فاقد تسهیلات، تأسیسات و امکانات، آلوده و کثیف، در کنار خانه های گران قیمت، لوکس و آپارتمانها، نشان از فاصله طبقاتی زیاد و اختلاف درآمد بسیار بین این دو جامعه شهری دارد. شیب اجتماعی شهرها به واسطه وجود این طبقات تشدید شده است. افراد حاشیه نشین با پیاده کردن معماری بومی و با سلیقه های شخصی و به دلیل عدم اطلاع از اصول شهرسازی و معماری و استانداردهای خانه سازی به ایجاد خانه ها و کوچه های کج و درهم و برهم و نامنظم می پردازند. ایجاد بازارهای

مصرف، تحمیل ترافیک سنگین به بافت شهر، تراکم و ازدحام بالای جمعیت در سطح شهر، رواج دست فروشی و دوره گردی و اغذیه فروشی های غیر بهداشتی و ایجاد ناامنی برای ساکنین از پیامد های دیگر حاشیه نشینی است.

#### معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه کلانشهر تبریز واقع در استان آذربایجان شرقی است. این شهر درجه و ۴۶ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱,۵۵۸,۶۹۳ نفر ششمین شهر پرجمعیت ایران، پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می گردد. این شهر به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهمترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می شود. از کل جمعیت شهر تبریز حدود ۴۵۰ هزار نفر آن حاشیه نشین هستند که در بخش های شمال، شمال غربی، جنوب و جنوب غربی شهر اسکان یافته اند که این تعداد تقریباً یک سوم جمعیت و یک چهارم سطح این کلانشهر است. همچنین ۱۲ هزار ۵۰۰ هکتار از مجموع ۲۵ هزار هکتار مساحت تبریز را بافت پر شهری تشکیل می دهد که از این میان ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار مربوط به بافت حاشیه نشین است که بیشتر در مناطق ۱، ۳، ۴، ۶ و ۷ شهری تبریز واقع شده اند (شکل ۱).

شکل شماره (۱): نقشه محدوده مورد مطالعه



#### مواد و روش ها

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و از نوع پیمایشی (مطالعه میدانی، پرسشنامه) می باشد جامعه آماری را در این تحقیق، حاشیه نشینان کلانشهر تبریز تشکیل می دهند که برای مطالعه آنها ۳۸۴ نفر به طریق فرمول کوکران و با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. داده های حاصل از پرسشنامه های تکمیل شده در بین

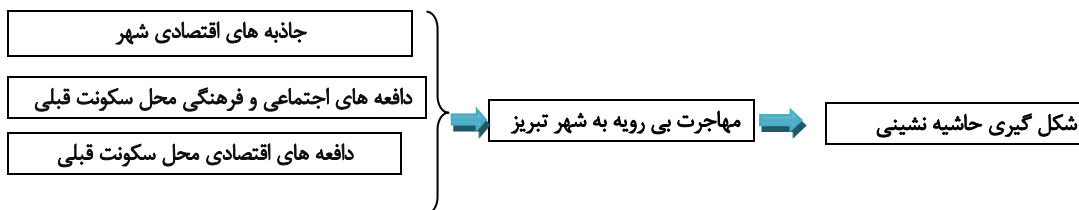
حاشیه نشینان، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته اند. این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است، در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص های آماری نظیر فراوانی، درصد و میانگین به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شده است و در سطح آمار استنباطی متناسب با سطح سنجش داده ها، از آزمون آماری کای اسکوئر ۱ ( $X^2$ ) تک متغیره برای اثبات فرضیه های زیر استفاده گردیده است.

- ۱- بین جاذبه های اقتصادی شهر با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۲- بین دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.
- ۳- بین دافعه های اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2} \qquad n = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

N: حجم نمونه، Z: مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد، که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶ می باشد P: مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است. اگر در اختیار نباشد می توان آن را ۰/۵ در نظر گرفت. q: درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند،  $d = (q = 1-p)$  تفاوت نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است که حداکثر نسبت آن تا ۰/۰۵ است و دقت نمونه گیری به آن بستگی دارد.

شکل شماره (۲): مدل مفهومی تحقیق



### یافته های تحقیق

مناطق حاشیه نشین شهر تبریز از تراکم زیاد جمعیتی برخوردار است؛ همچنین استفاده از مصالح کم دوام و فقدان فضاهای سبز و باز عمومی در سطح محله های این مناطق و دسترسی سخت واحدهای مسکونی به شبکه های اصلی شهری از ویژگی های کلی این مناطق است. بر اساس داده های جمع آوری شده، نتایج تحقیق نشان می دهد که ۶۹/۶ درصد از ساکنین مناطق حاشیه نشینی از روستاها به این مناطق مهاجرت کرده اند، ۲۳/۸ درصد نیز از سایر شهرها و یا از سایر مناطق شهر به این سکونتگاه ها آمده اند ۶/۶ درصد نیز بومی بوده اند. بنابراین اکثریت ساکنین روستاییانی هستند که به شهر تبریز مهاجرت کرده اند و از طرفی به دلیل ضعف بنیه اقتصادی و گران بودن زمین و

۱. Chi Square

مسکن در شهر تبریز نتوانستند به متن و داخل شهر وارد شوند و ناگزیر در حاشیه زندگی می کنند. همچنین ۶۹ درصد پاسخگویان کمتر از ۴۰ سال دارند ، که مویید ساختار سنی در گروه سنی فعالیت است ، که با ساختار مهاجران به شهر برای کار و فعالیت هم خوانی دار د. ۲۰/۸ در صد کمتر از ۳۰ سال، ۴۸/۲ در صد ما بین ۳۰-۴۰ درصد و ۳۱درصد بالای ۴۰ سال دارند .

جدول شماره(۱): آزمون شاخص های دافعه اقتصادی محل سکونت قبلی

شاخص	فراوانی داده های مشاهده شده					میانگین	درجه آزادی	Chi Square	درجه معنا داری Asymp.sig
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
بیکاری در محل سکونت قبلی	۹۲	۱۰۰	۱۰۵	۴۰	۴۷	۳/۷۶	۴	۵۵/۴۴۹	۰/۰۰۰
درآمد کمتر	۱۴۸	۸۰	۸۵	۲۴	۴۷	۳/۹۸	۴	۱۱۱/۴۳۵	۰/۰۰۰
نداشتن زمین زراعی	۶۰	۶۵	۱۱۰	۹۵	۵۴	۳/۷۴	۴	۳۶/۲۵۶	۰/۰۰۰
عدم دسترسی به امکانات آموزشی	۱۰۶	۹۵	۷۷	۸۰	۲۶	۳/۸۷	۴	۵۷/۶۴۴	۰/۰۰۰
عدم دسترسی به امکانات رفاهی	۱۳۷	۸۸	۷۸	۵۰	۳۱	۳/۹۷	۴	۹۰/۴۳۰	۰/۰۰۰
مکانیزه شدن کشاورزی	۶۸	۸۷	۱۱۲	۹۳	۲۴	۳/۸۹	۴	۶۲/۳۶۵	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان

مطالعه سطح سواد و تحصیلات ساکنین در این مناطق نشان می دهد که اکثریت آنها (۶۹ درصد) تحصیلات ابتدایی و پایین تر دارند. (۲۰/۴ درصد بی سواد، ۴۸/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی ، در حالی که فقط درصد کمی تحصیلات بالاتر داشته اند . (۲۵درصد دیپلم، ۶ درصد فوق دیپلم و بالاتر تحصیل کرده اند.). همچنین ۴۹/۸ درصد از افراد مورد مطالعه، مالک زمین و ساختمان مسکونی شان بوده اند و ۲۹ /۷ درصد مستأجر، ۵/۴ درصدخانه متعلق به اقوامشان بوده است و آنها در آن اجاره نشین اند ۱۵/۱ درصد سایر موارد بوده است .

مطالعه وضعیت شغلی ساکنین مناطق حاشیه نشین شهر تبریز نشان می دهد که حدود ۵/۳ درصد کارمند، ۴۰/۳درصد کارگر ساده و ۱۶/۸ درصد دست فروش ، ۷/۵ درصد بیکار ، ۳۰/۱درصد مشاغل آزاد و سایر (لوله کشی . بنایی، رانندگی و غیره) را انتخاب کرده اند.

درآمد عامل مهمی برای تحلیل اوضاع اقتصادی است آنچه که پاسخ گویان در این مورد اذعان داشتند، ۹ درصد کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۲۴/۵ درصد بین ۱۵۰-۲۵۰ هزار تومان، ۲۶ درصد بین ۲۵۰-۳۵۰ هزار تومان ۳۰/۱درصد بین ۳۵۰-۴۵۰ هزار تومان ، ۷/۳ درصد بین ۴۵۰-۶۰۰ هزار تومان، ۳/۱ درصد بالاتر از ۶۰۰ هزار تومان ماهیانه درآمد دارند . همانطور که دیده می شود ۵۹/۵ درصد

از پاسخ دهندگان کمتر از ۳۵۰ هزار تومان در آمد دارند .

### آزمون فرضیه اول

در این بخش پس از شناسایی متغیر های اصلی پژوهش به تجزیه تحلیل آنها پرداخته می شود تا نشان داده شود که کدام یک از متغیر های مستقل با متغیر وابسته رابطه معنا داری دارد.

بین دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه و تحلیل معناداری، از آزمون Chi square استفاده شده است. نتایج آزمون مطابق جدول (۱) نشان داد که تمامی شاخص های مربوط به دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی معنی دار بوده است و بر متغیر حاشیه نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که درآمد کم با متوسط (۳/۹۸) عدم دسترسی به امکانات آموزشی با متوسط (۳/۷۸) عدم دسترسی به امکانات رفاهی با متوسط (۳/۹۷) بیکاری در محل سکونت قبلی با متوسط (۳/۷۶) مکانیزه شدن کشاورزی با متوسط (۳/۸۹) و نداشتن زمین زراعی با متوسط (۳/۷۴) بر شکل گیری و گسترش حاشیه نشینی در این مناطق تأثیر گذار بوده است . علاوه بر ارایه شاخص های دافعه اقتصادی شهر و معنی دار بودن آنها، در سطح دیگری نیز شاخص های فوق سنجدیده شده است . بدین معنی که جهت تایید یا رد فرضیه از آزمون تک متغیره خی دو ( $X^2$ ) استفاده شده و نتایج زیر حاصل شده است.

جدول شماره (۲): آزمون فرضیه اول از طریق خی دو ( $X^2$ ) تک متغیره

متغیر	Chi square	درجه آزادی	درجه (Asymp.sig) معنی داری
دافعه اقتصادی محل قبلی	۱۵۲/۲۶۱	۴	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان

همان طور که جدول شماره (۲) نشان می دهد کای اسکوتر ( $X^2$ ) برابر با ۱۵۲/۲۶۱ درجه آزادی برابر با ۴ و درجه معنی داری ۰/۰۰۰ می باشد. بنابراین با توجه به مقدار ( $X^2$ ) و سطح معنی داری آن می توان نتیجه گرفت که بین دافعه اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد و فرضیه ارائه شده پذیرفته می شود .

### آزمون فرضیه دوم

بین جاذبه های اقتصادی شهر با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.

جدول شماره (۳): آزمون شاخص های جاذبه اقتصادی شهر تبریز

درجه معناداری Asymp.sig	Chi Square	درجه آزادی	میانگین	فراوانی داده های مشاهده شده					فراوانی شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۸۵/۲۵۴	۴	۳/۷۷	۲۳	۷۳	۶۷	۸۶	۱۳۵	شغل بهتر
۰/۰۰۰	۱۰۳/۷۲۸	۴	۳/۹۸	۱۷	۵۵	۱۰۱	۸۴	۱۲۷	درآمد بیشتر
۰/۰۰۰	۶۶/۳۳۶	۴	۳/۶۴	۳۵	۶۱	۶۶	۱۲۴	۹۸	ارزانی زمین و خانه
۰/۰۰۰	۶۱/۶۱۳	۴	۳/۵۴	۲۷	۵۹	۱۱۲	۱۰۴	۸۲	امکانات آموزشی
۰/۰۰۰	۹۳/۵۶۵	۴	۳/۷۸	۱۸	۵۲	۹۳	۱۱۴	۱۰۷	امکانات رفاهی
۰/۰۰۰	۱۱۵/۲۸۴	۴	۳/۸۵	۲۰	۴۰	۹۴	۱۳۳	۹۷	نزدیکی به محل کار

ماخذ: محاسبات نگارندگان

برای آزمون این فرضیه و تحلیل معناداری متغیرها از آزمون Chi square استفاده شده است. نتایج آزمون مطابق جدول (۳) نشان داد که تمامی شاخص های مربوط به جاذبه اقتصادی شهر معنا دار بوده و بر حاشیه نشینی تأثیر داشته است. به طوری که درآمد بیشتر با متوسط (۳/۹۸) شغل بهتر با متوسط (۳/۷۷) ارزانی زمین و مسکن با متوسط (۳/۶۴) امکانات آموزشی با متوسط (۳/۵۴) امکانات رفاهی با متوسط (۳/۷۸) نزدیکی به محل کار با متوسط (۳/۸۵) بر شکل گیری و گسترش حاشیه نشینی تأثیرگذار بوده اند، در مرحله بعدی جهت تایید یا رد فرضیه از آزمون تک متغیره خی دو ( $X^2$ ) استفاده شده و نتایج زیر حاصل شده است.

جدول شمارخ (۴): آزمون فرضیه دوم از طریق خی دو ( $X^2$ ) تک متغیره

متغیر	Chi square	درجه آزادی	( Asymp.sig )
جاذبه های اقتصادی شهر	۶۱۰/۸۲۴	۴	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان

با توجه به جدول فوق کای اسکوتر ( $X^2$ ) برابر با ۶۱۰/۸۲۴ درجه آزادی برابر با ۴ و درجه معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد. بنابراین با توجه به مقدار و سطح معناداری آن می توان نتیجه گرفت که بین جاذبه های اقتصادی شهر با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد و فرضیه ارائه شده پذیرفته می شود.

### آزمون فرضیه سوم

بین دافعه های اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معنا داری وجود دارد.

جدول شماره (۵): آزمون شاخص های دافعه های اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی

درجه معناداری Asymp.sig	Chi Square	درجه آزادی	میانگین	فراوانی داده های مشاهده شده				فراوانی شاخص	
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد		
۰/۰۰۰	۴۰/۱۴۸	۴	۳/۰۷	۵۸	۶۹	۱۱۶	۹۱	۵۰	دوری از اقوام و آشنایان
۰/۰۰۰	۸۷/۶۸۳	۴	۳/۶۵	۲۹	۵۹	۱۱۰	۵۹	۱۲۷	فراهم نبودن زمینه برای پیشرفت
۰/۰۰۰	۳۶/۸۹۷	۴	۳/۰۹	۷۹	۴۹	۱۱۱	۶۷	۷۸	اختلافات قومی و فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۲۳/۵۴۶	۴	۳/۶۷	۳۹	۲۹	۷۸	۱۴۸	۹۰	محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی
۰/۰۰۰	۳۳۷/۷۳۴	۴	۴/۱	۱۸	۳۵	۵۹	۸۷	۱۸۵	پایین بودن ارزش کار
۰/۰۰۰	۳۰۱/۹۳۸	۴	۳/۴۳	۳۴	۲۶	۱۷۹	۸۱	۶۴	نبود زمینه برای خلاقیت

ماخذ: محاسبات نگارندگان

برای آزمون این فرضیه و تحلیل معناداری متغیرها از آزمون Chi square استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۵) نشان داده شده است، تمامی شاخص های مربوط به دافعه های اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی معنا دار بوده است و بر متغیر حاشیه نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اختلافات قومی و فرهنگی با متوسط (۳/۰۹) فراهم نبودن زمینه برای پیشرفت با متوسط (۳/۶۵) پایین بودن ارزش کار با متوسط (۴/۱) محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی با متوسط (۳/۶۷) دوری از اقوام و آشنایان با متوسط (۳/۰۷) و فراهم نبودن زمینه برای خلاقیت افراد با متوسط (۳/۴۳) بر شکل گیری و گسترش حاشیه نشینی تأثیر گذار بوده اند. در سطح بعدی مانند دو فرضیه قبل، جهت تایید یا رد فرضیه از آزمون تک متغیره خی دو ( $X^2$ ) استفاده شده است که نتایج زیر حاصل شده است.

جدول شماره (۶): آزمون فرضیه سوم از طریق خی دو ( $X^2$ ) تک متغیره

متغیر	Chi square	درجه آزادی	(Asymp.sig) درجه معناداری
دافعه اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی	۳۴۷/۹۸۶	۳	۰/۰۰۰

ماخذ: محاسبات نگارندگان

همان طور که جدول شماره (۶) نشان می دهد کای اسکوئر ( $X^2$ ) برابر ۳۴۷/۹۸۶ درجه آزادی برابر با ۳ و درجه معناداری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد. بنابراین با توجه به مقدار و سطح معناداری آن می توان نتیجه گرفت که بین



دافعه‌های اجتماعی و فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معنا داری وجود دارد و فرضیه ارائه شده پذیرفته می‌شود.

### نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

با گسترش شهرها و تبدیل آنها به کلانشهر، لزوم کنترل وضعیت حاشیه‌نشینی و جلوگیری از گسترش آن بیش از پیش احساس می‌شود به طوری که بدون بررسی و شناخت عوامل دخیل در ایجاد و گسترش این پدیده نمی‌توان به اصلاح آن دست زد و یا راهکاری ارائه داد. شهر تبریز به عنوان یکی از مادرشهرهای بزرگ کشور و وجود معادن غنی در اطراف شهر، استقرار صنایع سنگین و ایجاد شهرک‌های صنعتی، یکی از مهمترین شهرهای مهاجر پذیر ایران محسوب می‌شود. در این پژوهش پس از بررسی علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز نتایج زیر حاصل گردیده است. ساکنان این مناطق اغلب مهاجر و از نظر سطح سواد، درآمد، نوع شغل در سطح پایینی نسبت به ساکنان سایر مناطق شهر قرار دارند. همچنین مطالعه سطح سواد و تحصیلات ساکنین در این مناطق نشان داد که اکثریت آنها (۶۹ درصد) تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر دارند. ۴۹/۸ درصد از افراد مورد مطالعه، مالک زمین و ساختمان مسکونی شان بوده‌اند مطالعه وضعیت شغلی ساکنین این مناطق نشان داد که حدود ۵/۳ درصد کارمند، ۴۰/۳ درصد کارگر ساده، ۱۶/۸ درصد دست‌فروش، ۷/۵ درصد بیکار و ۳۰/۱ درصد مشاغل آزاد و سایر (لوله‌کشی، بنایی، رانندگی و غیره) را انتخاب کرده‌اند. مطالعه درآمد ساکنین این مناطق نشان داد که ۵۹/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳۵۰ هزار تومان درآمد دارند. همچنین از آزمون فرضیات پژوهش نتایج زیر حاصل شد که مهاجرت یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین است که خود تحت تأثیر جاذبه‌های اقتصادی شهری، دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی و دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی است، یعنی بین حاشیه‌نشینی و این سه متغیر رابطه معناداری وجود دارد بنا براین فرضیات مورد نظر تأیید شده است. حاشیه‌نشینی پیش از آنکه یک مسئله طبیعی باشد، یک مسئله اجتماعی و اقتصادی است که برخی جوامع شیوه حل و مقابله با آن را آموخته‌اند و برخی دیگر هنوز از مقابله با آن عاجزند، آنچه حاشیه‌نشینی را به فاجعه تبدیل می‌کند، محدودیت‌های طبیعی نیست، بلکه فقدان برنامه‌ریزی منطقی انسان در برخورد با محیط است که آن را به یک فاجعه ملی یا منطقه‌ای تبدیل می‌کند. به طور کلی در زمینه راهکارهای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی باید به دواصل توجه داشت: یکی ریشه‌یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه‌نشینی و دیگری برنامه‌ریزی برای برطرف نمودن موانع و عوامل پیدایش و گسترش این پدیده اجتماعی. در برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت‌ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی جامع و علمی برای برطرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط آن که شناخت و برنامه‌ریزی علمی جانشین برنامه‌ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده‌انگاری شود. اختلاف سطح توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز و گسترش پدیده حاشیه

نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه خواهد یافت. از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات خاصی که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگاری روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت های انبوه آنان به شهرها شود. در زمینه های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اولویت باید با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و پس از اینکه در زمینه های یاد شده میان شهرها و روستاها به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می توانیم به طور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره مند سازیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان نیازی به مهاجرت توده ای به شهرها نمی بینند. با توجه به موارد فوق، راهکارهای زیرجهت بهبود وضعیت این مناطق در کلانشهر تبریز ارائه گردیده است.

در جهت بهبود کمی و کیفی مسکن در مناطق حاشیه نشین می توان به همکاری و هماهنگی با سازمان ثبت و اسناد و دستگاه های اجرایی ذی حقوق در املاک تصرف شده توسط ساکنان و یا فروشندگان زمین به آنها برای سند دار کردن واحدهای مسکونی اقدام نمایند و یا به جلب حمایت بانک ها و موسسات اعتباری برای اعتای وام های بلند مدت و کم بهره جهت نوسازی و بهسازی بافت های قدیمی و فرسوده اقدام نمود.

در جهت افزایش توان اقتصادی مناطق حاشیه نشین می توان به موارد زیر اشاره نمود:

طرح ایجاد و مراکز خود اشتغالی با همکاری شهرداری ها و سایر دستگاه های ذی ربط و ایجاد و برگزاری نمایشگاه و فروشگاه ویژه ارائه و فروش تولیدات مراکز خود اشتغالی با همکاری شهرداری و دستگاه های ذی ربط، همکاری و هماهنگی ستاد توانمند سازی استان با دستگاه های اجرایی ذی ربط جهت تسریع و تسهیل اعطای وام خود اشتغالی به ساکنین این محلات در جهت افزایش سواد ساکنین این مناطق، شناسی عوامل باز دارنده کودکان و جوانان از ادامه تحصیل و همکاری با نهضت سواد آموزی جهت برگزاری و گسترش کلاس های نهضت.

در جهت بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی ساکنین این مناطق، برگزاری کلاس های آموزشی امور شهری و شهروندی با همکاری شهرداری و یا طرح مکان یابی مراکز فرهنگی کوچک مقیاس (خانه فرهنگ، نگار خانه و ...).

و در پایان تاکید می شود که تنها راه دائمی جلوگیری از حاشیه نشینی و مهار آن، توسعه پایدار است، یعنی به کار گرفتن کلیه منابع مادی و معنوی کشور در جهت رشد و توسعه همه جانبه و متوازن در بخش های مختلف که مجموعه خروجی این استراتژی منجر به ایجاد مشاغل در بخش کشاورزی و صنعت می شود و در نهایت باعث فراهم آوردن زمینه مناسب در روستاها و ایجاد جاذبه در شهرهای کوچکتر خواهد شد.

## منابع و ماخذ

- ۱- انتظاری، مریم، (۱۳۶۸)؛ عوامل وانگیزه های زاغه در شهرستان های ایران، مجله رفاه اجتماعی، سال ۲، شماره ۶، دانشگاه علامه طباطبائی
- ۲- آقابخش، حبیب الله، حاج یوسفی، کاکویی، حسین، (۱۳۸۲)؛ حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات) جلد دوم، تهران، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی.
- ۳- ایراندوست، کیومرث، (۱۳۸۸)؛ سکونت گاه های غیر رسمی و اسطوره حاشیه نشینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، وابسته به شهرداری تهران
- ۴- انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۶۹)؛ ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، پژوهشی در حاشیه نشینی دوگانه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، آگاه.
- ۵- باوی، جواد، (۱۳۸۴)؛ ساماندهی مناطق حاشیه نشین شهراواز (با تأکید بر منطقه ملاشیه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.
- ۶- بیات، بهرام (۱۳۸۴)؛ بررسی پدیده حاشیه نشینی در استان تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، شماره اول، ص ۸
- ۷- پارسا پژوه، سپیده، (۱۳۸۳)؛ نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی (مطالعه موردی اسلام آباد کرج)، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم شماره ۶، ص ۴۵
- ۸- پیران، پرویز؛ (۱۳۶۶)؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون؛ مجله سیاسی اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم، ص ۹
- ۹- پیران، پرویز؛ (۱۳۶۸)؛ تقدم و تسلط شهری در جهان سوم، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، اسفند، شماره ۳۴
- ۱۰- پیران، پرویز؛ (۱۳۷۴)؛ آلونک نشینی در ایران، بخش پایانی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۲
- ۱۱- پیران، پرویز؛ (۱۳۷۶)؛ شهر شهروند مداری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور، شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ صص ۴۶ - ۵۱
- ۱۲- پیران، پرویز؛ (۱۳۸۰)؛ تحلیل جامعه شناختی از مسکن شهری در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۶، صص ۴۸-۲۷
- ۱۳- پیران، پرویز؛ (۱۳۸۱)؛ باز هم در باب اسکان غیررسمی مورد شیرآباد زاهدان، نشریه شهر سازی و معماری هفت شهر، دوره ۱، شماره ۹ و ۱۰، زمستان، صفحه ۷-۲۴
- ۱۴- درستی، امیر علی؛ ایدر، نبی الله؛ باقری، مزده؛ (۱۳۸۵)؛ آسیب پذیری پیرامون شهرها، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، زمستان، شماره ۲.
- ۱۵- حاج یوسفی، علی، (۱۳۸۱)؛ حاشیه نشینی شهری و فرآیند تحول آن قبل از انقلاب اسلامی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۴۲
- ۱۶- خاکپور، براتعلی و هادیزاده بزاز، مریم. (۱۳۹۱)؛ تحلیلی بر علل ساختاری مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیررسمی در ایران (با نگرش ویژه بر کلانشهر مشهد)، چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مشهد

- ۱۷- حسین آبادی، سعید، (۱۳۸۹)؛ ارزیابی نقش توانمند سازی در بهبود وضعیت اسکان غیررسمی (نمونه موردی : محدوده ی شرق کال عیدگاه سبزواری) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس،
- ۱۸- ربانی، رسول، افشار کهن، جواد؛ (۱۳۸۱)؛ مشارکت و مسائل اجتماعی شهری (مطالعه موردی ،منطقه ارزنان اصفهان )، مجله فرهنگ اصفهان، تابستان ، شماره ۲۴.
- ۱۹- ربانی خوراسگانی، رسول، وارثی ، حمیدرضا و زهرا طاهری(۱۳۸۸)؛ تحلیلی بر علل اصلی شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان (نمونه موردی :ارزنان و دراک)، جغرافیا و توسعه، سال ۷، شماره پیاپی ۱۳ ، صص ۹۳-۱۲۵
- ۲۰- خوب آیند، سعید؛ زنگی آبادی، علی؛ ضرابی، اصغر؛ (۱۳۸۴)؛ تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه نشینی در شهر اصفهان، مجله جامعه شناسی کاربردی ، بهار و تابستان، شماره ۱۸ صص ۱۷۹ - ۱۹۲
- ۲۱- شاطریان، محسن ، اشنویی، امیر(۱۳۹۲)؛ عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۶
- ۲۲- شریفی نیا، زهرا (۱۳۹۱)؛ حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها (مطالعه موردی :محلۀ غلام تپه شهرستان آزادشهر)، دانشگاه مشهد :چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه ریزی شهری.
- ۲۳- قرخلو، مهدی و عبدالنبی شریفی، (۱۳۸۳)؛ پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی -اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی، محلۀ عین ۲ اهواز)، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۰.
- ۲۴- ممتاز، فریده. (۱۳۷۹)؛ جامعه شناسی شهر، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۲۵- مشهدیزاده دهقانی ،ناصر، (۱۳۷۸)؛ تجزیه و تحلیل ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، شماره چهارم ، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- ۲۶- نیک نام، جواد و موسوی، سید عارف،(۱۳۸۹)؛ بررسی مشکلات و مسائل سکونتگاه های غیر رسمی، کتاب دیجیتال انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- ۲۷- نقدی، اسدالله و زارع، صادق(۱۳۹۱)؛ حاشیه نشینی به مثابه آپاندیست شهری (جعفرآباد کرمانشاه ) سال دوم، شماره ۵، صص ۸۱-۶۵
- ۲۸- هاروی، دیوید (۱۹۷۳)؛ عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- 29- Agnew, R, (1992): Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency, Criminology , vol 30, PP. 47 – 87.
- 30-Agnew, R, (1999): A General Strain Theory of Community Differences in Crime Rates, Journal of Reserech in Crime and Delinquency, Vol. 36, No. 2.
- 31-Clinard, Marshal.B, (1966): Slum and Community Development, The free Press, New york.
- 32-Eldering, L. Knorth, J. E. (2007): Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience. Journal of Childand Youth Car Forum, Vol. 27: No. 3, pp. 153-169.

- 33- Fowles, R. and M. Merva, (1996): Wage inequality and criminal activity: An extreme bounds analysis for the United States, 1975–1990. *Criminology* 34:163–182.
- 34-Lana Winayanti, Heracles.C.2000 . Lang, “Provision of urban services in an informal settlement: a case Study of Kampungpeanas Tan ggul, in Jakarta, University of Cambeera.Australia:ACT 2061-2002
- 35-Messner, S. F, (1982): Poverty, inequality, and the urban homicide rate.*Criminology* 20: pp 103–114
- 36- Seigel, L. and J. Senna ,(1997): *Juvenile Delinquency*. Six Edition, West Publishing Company.
- 37- Williams, K. R, (1984): Economic sources of homicide: Reestimating the effects of poverty and inequality. *American Sociological Review* 49: pp 283–289.
- 38-WeKesa.B.(2011): A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements . *Habitat International*, Vo.35.Issve2,pp 238-245